

مباحثه و مجادله در گفتار آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت اول

قسمتهایی از فصل «جدال»

از جلد چهارم کتاب «اخلاق الهی»، مجموعه «آفات زبان»

«الَّذِينَ يُلَاقُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ إِنَّا اللَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب-۳۹)



برای اکثر ما گاهی پیش آمده است که با خانواده، دوستان، هم‌دانشگاهی‌ها، هم‌کلاسی‌ها، اقوام، هم‌کاران، با راننده‌ی تاکسی، مسافران آن و افراد دیگر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی، مذهبی و شرعی و غیره به بحث و گفتگو بپردازیم. در هفته‌های قبل از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری، حجم و تعداد بحث‌ها و گفتگوها بین ما و اطرافیانمان - در مورد اینکه کدام کاندیدا مناسب‌تر است، یا نقد و بررسی کاندیداهای مختلف، یا در مورد عملکرد رئیس‌جمهور در ۴ سال گذشته و مسائلی از این دست- افزایش یافته و این‌گونه مباحث فضای جامعه و خانه‌های مردم را گرم و گاهی داغ و ملتهب کرده بود.

ممکن است در برخی از این بحث‌ها بین ما و فرد مورد مباحثه، به علت اختلاف دیدگاه و علاقه به کاندیداهای متفاوت، به قول معروف بحث بالا گرفته باشد و موقت- ایجاد شده باشد. بالخصوص فضای جامعه، بحث‌ها خیلی داغ‌تر اثرات منفی آن بیشتر شد. بسیاری آمده از این بحث‌ها برخلاف انتخابات، ماندگارتر و بادوام‌تر شدند. برخی رفاقت‌ها از بین رفت یا کم‌رنگ‌تر شد، یا تبدیل به کینه و دشمنی شد. برخی لجبازی‌ها پدید آمد و شکاف‌ها و فاصله‌ها در عقاید و نظرات بیشتر شد.

امام صادق (ع) می‌فرماید:
هر کس ما را با زبان برضد دشمنانمان کمک کند، خداوند او را با همان دلیلی که آورده، در روز قیامت، گویا می‌کند.

حال سوالی که مطرح است این است که آیا می‌شد از این دلگیری‌ها و کدورت‌ها پیش‌گیری کرد؟ یا می‌شد طوری بحث کرد که برخی دچار لجبازی یا دچار نفاق نمی‌شدند؟

پاسخ به سوالات زیر می‌تواند بسیاری از ابهامات یا آسیب‌های موجود در مباحثه‌ها را برطرف نماید:
کیفیت بحث و جدل باید چگونه باشد؟

آیا می‌توان در بحث از رفتار تند و خشن بهره‌برد؟ (مسأله‌ای که خواسته یا ناخواسته در بسیاری از مباحثه‌ها اتفاق می‌افتد)

یا بحث فقط باید با نرم‌خویی و ملاطفت صورت گیرد تا اثر گذار باشد؟

یا اگر به صورت معمولی، نه با تندی و نه با ملاطفت، مباحثه انجام شود چگونه است؟

از دید شرع این سه حالت چگونه هستند؟ (در ادامه خواهید دید که بحث با نرم‌خویی و ملاطفت که به آن «جدال احسن» می‌گویند از نظر شرع مطلوب و نیکو است؛ بحث به صورت معمول، نه با تندی و نه با ملاطفت که به آن «جدال حسن» گفته می‌شود، از نظر شرع در مواردی خاص جایز است؛ و بحث با تندی یا همراه با توهین که به آن «جدال قبیح» گفته می‌شود، از نظر شرع حرام است) آیا مخاطب بحث در نوع مباحثه موثر است؟ یا مخاطبان متفاوت باید چگونه مباحثه کرد؟

با مخاطب لجوج، یا مخاطب آماده؟ یا مخاطبی که اهل حکمت و علم است، یا مخاطبی که از علم و حکمت بهره‌ی متوسط برده است؟ کسانی که اهل استدلال و منطق نیستند چطور؟

آیا بحث با معاند لجوج مفید است یا به ترک آن سفارش شده؟

آیا بحث در موارد بی‌فایده مجاز است؟

استاد آیت ... مجتبی تهرانی مطالبی در جلد چهارم کتاب «اخلاق الهی»، مجموعه‌ی «آفات زبان»، فصلی تحت عنوان «جدال» آورده‌اند که می‌تواند به بسیاری از این سوالات پاسخ داده و در هدایت «مباحثه» و پیشگیری از آثار و نتایج زشت و منفی این گونه مباحثه‌ها به کار آید. در این فصل ابتدا به ابعاد مباحثه و مجادله از قبیل انگیزه‌ی جدل، کیفیت بحث و جدل، مواد بحث، مخاطب جدل و موضوع جدل پرداخته شده است. سپس به حکم اقسام جدل (مانند جدل با انگیزه‌ی غیر الهی، جدال خشن، جدال با استفاده از مواد نادرست، جدال با معاند لجوج، جدال در موضوع بی‌فایده، جدال در موضوع غیر قابل فهم و جدال احسن) از دید شرع پرداخته شده است.

در ادامه قسمت‌هایی از فصل مذکور شامل ابعاد مباحثه و مجادله از قبیل انگیزه‌ی جدل، کیفیت بحث و جدل، مواد بحث، مخاطب جدل و موضوع جدل آورده شده است. ادامه فصل مذکور که شامل حکم اقسام جدل (مانند جدل با انگیزه‌ی غیر الهی، جدل خشن، جدل با استفاده از مواد نادرست، جدل با معاند لجوج، جدل در موضوع بی‌فایده، جدل در موضوع غیر قابل فهم و جدل احسن) می‌باشد نیز، در نوشتار بعدی ارائه خواهد شد.

معنای جدل در علم اخلاق

یکی از معانی جدل که مورد توجه و بحث دانشمندان علم اخلاق قرار گرفته، پیکار لفظی و ستیزه در کلام جهت چیره شدن بر طرف مقابل و ساکت کردن اوست؛ بنابراین مقصود از جدل در دانش اخلاق، رد و بدل کردن سخن، جهت چیره شدن بر دیگری است. بحث و پیکار در کلام، چه در مسائل علمی، چه اعتقادی و دینی، با عنوان جدل مطرح می‌شود. «جدل» یکی از مباحث منطقی است که دانشمندان منطق در بخش صناعات خمس، به بحث و گفت و گوی از آن پرداخته‌اند. ایشان مواد قیاس را به پنج نوع تقسیم کرده‌اند که جدل یکی از آن‌ها است. جدل قیاسی است که از «مسلمات» و «مشهورات» تشکیل شده است.

• مسلمات

آن دسته از قضایایی که میان جدل کننده و طرف مقابل او پذیرفته شده هستند.

• مشهورات

آن دسته قضایایی که میان مردم (کسانی که از خرد بهره دارند) شهرت دارند و همه آن‌را تصدیق می‌کنند، مانند «نیکو بودن عدالت و اکرام دیگران».

بحث و گفت‌وگو در مسائل اعتقادی یا علمی از سه جهت قابل بررسی و دقت است که توجه به هر یک از این جهات، اقسامی را برای جدل پدید می‌آورد:

الف. انگیزه‌ی جدل

ب. کیفیت جدل

ج. مواد و ابزار جدل.

الف. انگیزه‌ی جدل

سخن امام حسین در جواب فردی که خواستار مناظره با ایشان بود: من از دینم آگاهم و اگر تو از دینت آگاهی نداری، برو و جست‌و جو کن و آن را یاد بگیر. من اهل مرأء نیستم. همانا شیطان در اشخاص وسوسه می‌اندازد و می‌گوید: برو با مردم مناظره کن تا گمان نکنند ناتوان و نادان هستی

هر گاه شخص با طرف مقابل خود به جدال عملی و یا اعتقادی می‌پردازد، یا از این کار قصد و غرضی الهی دارد یا به دنبال امیال نفسانی خویش است؛ بنابراین انگیزه‌ی او از جدل، بیش از این دو مورد نیست:

۱. انگیزه‌ی شیطانی ۲. انگیزه‌ی الهی

۱. انگیزه شیطانی

زمانی که شخص می‌کوشد برتری خود را با جدل به دیگران نشان دهد، انگیزه‌ای نفسانی و شیطانی را دنبال می‌کند. این انگیزه می‌تواند حالات گوناگونی داشته باشد؛ برای نمونه، گاه شخص فقط می‌خواهد طرف مقابل خود را به ذلت کشانده، او را خوار کند و گاه غرض او تحصیل مقام یا مال است؛ یعنی می‌خواهد با بحث و جدل، طرف مقابل خود را مغلوب کند تا دیگران توجه بیشتری به او کرده، بتواند با این روش از مادیات بهره‌مند شود. این روش یکی از روش‌های فریب شیطان است.

«الَّذِينَ يُبْلَغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَ اللَّهَ وَيَخْشَوْنَ أَعْدَاءَ اللَّهِ إِذَا لَاقُوا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب-۳۹)

روزی شخصی خدمت امام حسین (ع) آمد و به امام گفت:

بنشین تا با هم مناظره کنیم. امام فرمود: ای فلانی! من از دینم آگاهم و اگر تو از دینت آگاهی نداری، برو و جست و جو کن و آن را یاد بگیر. من اهل مرء نیستم. همانا شیطان در اشخاص وسوسه می‌اندازد و می‌گوید: برو با مردم مناظره کن تا گمان نکنند ناتوان و نادان هستی. [محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷۴]

روایت بیان می‌کند که تمام این‌ها، جنبه‌ی شیطانی داشته، ضایعات فراوانی را نیز به دنبال خواهند داشت.

۲. انگیزه الهی

من احیایا (نفسا) فکانما احیا الناس جمیعاً.
کسی که نفسی را زنده کند، مثل این است که همه
مردم را زنده کرده است؛

گروهی از افراد، برای خدا بحث و جدل می‌کنند. آن‌ها یا می‌خواهند شخصی نادان را آگاه و ارشاد کنند که به آن «ارشاد الجاهل» (راهنمایی نادان) می‌گویند یا می‌خواهند شخص گمراهی را هدایت کرده، راه درست را به او نشان دهند که به آن «ارشاد المضل» یعنی «راهنمایی گمراه» گفته می‌شود.

دانشمندان علم اخلاق می‌گویند این نوع جدل از «ارکان اعظم» (بزرگترین پایه‌های) دین است؛ زیرا این عمل، روح انسان را زنده می‌کند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

من احیایا (نفسا) فکانما احیا الناس جمیعاً. [مائده (۵): ۱۲۵]

کسی که نفسی را زنده کند، مثل این است که همه مردم را زنده کرده است؛

البته در اینجا منظور از احیاء، سیر کردن گرسنه و رهانیدن کسی از مرگ جسمانی نیست؛ بلکه مرحله‌ای بالاتر و معنایی برتر است. زنده نگه داشتن انسان از مرگ جسمانی، موقت و ناپایدار است و حیات معنوی و روحانی انسان ماندگار و جاودانه خواهد بود؛ پس جدل ممکن است با انگیزه‌ای نیکو و الهی انجام شود که آیات و روایات هم آن را ستوده و نیکو دانسته‌اند و هم می‌شود با قصدی زشت و شیطانی صورت پذیرد که آیات و روایات نیز آن را نکوهیده و از آن بازداشته‌اند.

ب. کیفیت بحث و جدل

برای این جهت سه صورت فرض می‌شود:

۱. خشونت و توهین در جدال

گاه جدال کننده در سخن گفتن و بحث با دیگران به خشونت و درشتی دست زده، رفتارش با اهانت و تحقیر آمیخته می‌شود؛ فرد با این برخورد، باعث نرسیدن طرف مقابل به حقیقت و فرورفتن او در گرداب باطل می‌شود.

گاه جدال کننده در سخن گفتن و بحث با دیگران به خشونت و درشتی دست زده، رفتارش با اهانت و تحقیر آمیخته می‌شود. در این صورت، حتی اگر طرف مقابل جاهل هم بوده و دچار شبهه باشد و جدل کننده نیز با انگیزه الهی بخواهد آن شبهه را از ذهن او بزداید، با این برخورد، باعث نرسیدن طرف مقابل به حقیقت و فرورفتن او در گرداب باطل می‌شود، و

هر چند قصد جدال کننده، الهی و انسانی است؛ ولی با این رفتار جلو باطل گرفته نخواهد شد؛ زیرا راهی که او برای بحث و گفت‌وگو برگزیده، نتیجه مطلوب نخواهد داشت و این جدال، «جدال قبیح» نامیده می‌شود.

۲. نرم خوئی و ملاطفت در جدال

گاه شخص جدال کننده در سخن گفتن بسیار آرام و نرم است و با وفق و مدارا می‌کوشد تا طرف مقابل را قانع و از راه و عقیده باطل دور کند. او به شکل کامل به سخنان طرف مقابل گوش داده، با صبر و حوصله او را به مواضع خود نزدیک می‌سازد و این جدال، «جدال احسن» نامیده می‌شود.

خداوند متعال در قرآن فرموده است:

ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن. [نحل (۱۶): ۱۲۵]

[مردم را] با حکمت [و برهان] و پند نیکو به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به نیکوترین شکل مناظره [و مجادله] کن. خداوند در این آیه پیامبر را به جدال احسن امر می‌کند.

۳. حالت معمولی و عادی در جدال:

جدل کننده در این حالت، به مخاطب خود توهین نمی‌کند و او را از خود نمی‌رنجاند، و با نرمی و حوصله بسیار نیز با او جدل نمی‌کند؛ بلکه مطلب حق را به شکل متعارف و عادی بیان می‌کند. به این نوع گفت و گو، «جدال حسن» می‌گویند؛ زیرا از لحاظ کیفیت، نیکو و پسندیده است و مخاطب را به خشم نمی‌آورد؛ البته به جدالی «حسن» و «احسن» گویند که افزون بر نحوه‌ی برخورد مذکور، با انگیزه‌ی الهی صورت گیرد.

ج. مواد بحث

گاه جدل از جهت مواد بررسی می‌شود که این مواد به دو گونه‌اند:

۱. مواد درست:

شخص باید برای اثبات حق و ابطال کلام و عقیده‌ی باطل، از مواد درست (حق) استفاده کند تا پیکار او جدال نیکو باشد؛ برای نمونه از مسلمات که شخص مقابل هم آن را قبول دارد، استفاده، و باطل بودن عقیده‌ی آن شخص را اثبات کند.

۲. مواد نادرست:

ممکن است شخص بر اثبات حق و قانع کردن طرف مقابل، از ماده‌ای باطل استفاده کند. این خود دو صورت دارد: صورت نخست این که شخص برای اثبات حق، از سخن باطل طرف مقابل بهره برد؛ یعنی برای اثبات حق به سخن باطلی که شخص مقابل می‌گوید، تمسک جوید تا شاید او را با سخن خودش محکوم و برای پذیرش حق قانع کند. صورت دوم اینکه برای ابطال سخنان باطل شخص مقابل، منکر ادله‌ی حقی شود که شخص مقابل برای اثبات باطل خود، به ناحق از آن‌ها استفاده کرده است. او به حق اعتراف می‌کند تا شاید بتواند باطل خود را اثبات کند و شخص جدل کننده نیز برای اینکه راه او را ببندد، در مقابل او، منکر حق می‌شود تا طرف مقابل نتواند باطل خود را به اثبات برساند و این گونه جدل در جایی پیش می‌آید که شخص، توان بحث با مواد درست را ندارد و در بحث ضعیف است؛ از این رو آن را جدل «غیر حسن» می‌نامند. جدال و بحث نیک علمی و دینی، آن است که انسان از مواد درست و حق بهره بگیرد و طرف مقابل را قانع کند.

مخاطب جدال

جدال را از جهت قابلیت پذیرش مخاطب هم می‌توان به دو قسم تقسیم کرد:

«الَّذِينَ يُبْلَغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَ اللَّهَ وَيَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب-۳۹)

۱. مخاطب آماده:

گاه طرف مقابل بحث، مخاطبی است که آمادگی پذیرش عقیده حق را دارد و با همین انگیزه به جدال می‌پردازد تا حقیقت آشکار شود. برای او حق از عقیده‌اش مهم‌تر است؛ از این‌رو اگر با گفت و گو، به حقانیت جدل‌کننده پی ببرد، از عقیده‌خویش دست خواهد کشید.

۲. مخاطب لجوج:

گاه طرف جدل، مخاطبی لجوج است که هیچ عقیده‌ای را نمی‌پذیرد و فقط بر عقیده‌ی خویش پا می‌فشرد. چنین کسی اگر به حقانیت جدال‌کننده هم پی ببرد، تسلیم نشده، بر عقیده‌ی خویش پابرجا و استوار خواهد ماند.

موضوع جدال

جدال را از جهت میزان ارزش مسأله‌ی مورد بحث نیز می‌توان به اقسامی تقسیم کرد:

۱. موضوع مفید:

گاه جدال بر سر موضوعی است که ارزش گفت و گو را دارد؛ مانند بحث درباره‌ی بسیاری از مسائل اعتقادی یا علمی که برای جدال‌کنندگان و نظارت‌کنندگان بر جدال بهره‌های فراوان خواهد داشت.

۲. موضوع بی‌فایده:

گاه بحث درباره‌ی مسأله‌ای است که روشن شدن آن هیچ‌گونه سود عقلانی برای جدال‌کنندگان نخواهد داشت.

«الَّذِينَ يُلَاقُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَ اللَّهَ وَيَخْشَوْنَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ إِنَّا اللَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب-۳۹)